

مگر کودتا کنند

وگرنه جلوی تحول را نمی توانند بگیرند

سرمقاله این شماره راه توده را قصد داشتیم در ارتباط با سقوط قیمت نفت، بهمن بزرگ گرانی و کمبودی که در راه است، احتمال رو به افزایش شورش های کور مردم جان به لب رسیده، موقعیت بشدت متزلزل شده احمدی نژاد در میان مردم و حتی روحانیون، خطر دست زدن فرماندهان سپاه و شخص رهبر به یک ماجراجویی نظامی و یا نمایشی داخلی برای جلوگیری از سقوط احمدی نژاد در انتخابات آینده - در حد آن مانوری که شاه در آخرین سال حکومت خود داد و شماری از همدستان خود مانند هویدا و ارتشبد نصیری را موقتاً به زندان فرستاد تا پس از افتادن آب ها از آسیاب آزادشان کند- خطر یک سلسله دستگیری های سیاسی در داخل کشور و... بنویسیم. در واقع سرفصل های چنین سرمقاله ای را فهرست وار در همین چند خط بالا نوشتیم. این مجموعه را می خواستیم با آخرین هشدار محمدخاتمی در باره تلاش برای خلق "منافقین" جدید و یورش و کشتار آنها به پایان ببریم. بویژه که او اشاره به سابقه خط امامی کسانی کرده است که می خواهند بنام "منافقین" جدید لب تیغشان بدهند. یعنی اجرای همان وصیت نامه اسدالله لاجوردی قصاب اوین که در آن دستگیری و اعدام امثال نبوی و تاج زاده و سلامتیان و بقیه رهبران مجاهدین انقلاب اسلامی و لایب شماری از روحانیون همراه و همگام با آنها را خواهان شده بود. سدی که اگر از راه دولت و حاکمیت کنونی برداشته شود، آنوقت نوبت به آیت الله های این طیف می رسد و پس از تکرار فاجعه مشروطه، رضاخان جدید از میان سرداران حامی احمدی نژاد سر بلند خواهد کرد و تمام زمینه های سازش بزرگ با امریکا فراهم خواهد بود.

(آن جمله محمد خاتمی در سخنرانی به مناسبت ترور آیت الله اشرفی اصفهانی که خبرگزاری ایسنا آن را مخابره کرده چنین است: "می کوشند حالا که منافقین از بین رفته اند منافقین جدید خلق کنند و مخالف سلیقه خود را هر چند از نیروهای نزدیک به امام بوده، به همکاری با دست خبیث بیگانه متهم کنند و جامعه را در حالت فوق العاده قرار دهند.")

فضائی که انتخابات آینده ریاست جمهوری در آن می خواهد برگزار شود و یا زمینه برگزاری آن فراهم می شود، چنین فضائی است. بحث بر سر امروز است و خواه ناخواه تحولات مهم داخلی و جهانی تأثیرات مهم خود را در جهت تشدید و یا تخفیف آن بگذارد.

بدین ترتیب، ما سرفصل ها را بر شمردیم، اما توضیحات می ماند برای سرمقاله های آینده، به این دلیل که قصد داریم در ادامه آنچه بعنوان سرفصل ها خواندید، از دو نامه مهم دریافتی از داخل کشور فصولی را برگزیده و منتشر کنیم. یکی از این دو نامه از تهران است و دیگری از مشهد و نویسندگان آنها باندازه کافی مطلع از آنچه نوشته اند. ما فصل های دیگری از این دو نامه را که باز می گردد به موقعیت دانشجویان و فعالان نسل جدید چپ داخل کشور می گذاریم برای فرصتی دیگر، زیرا نیازمند مشورت های بیشتر شورای سردبیری راه توده است.

فصولی که از دو نامه مورد بحث انتخاب کرده و با کمی اصلاح و ویرایش اجتناب ناپذیر منتشر می کنیم، هم فضای عمومی کشور را برای انتخابات آینده نشان میدهد و هم فاصله ای را که بخش مهمی از مهاجرین سیاسی با واقعیات داخل کشور و بویژه توده مردم دارند. بخوانید:

۱- ... حساسیت مردم نسبت به مسایل آزادی ها و غیره و یا دستگیری چند فعال سیاسی و مشابه آن خیلی کم است، زیرا مسائل اقتصادی مهم ترین مسئله روز مردم است و احمدی نژاد را، علیرغم همه وعده هائی که مرتب تکرار می کند، همین مسئله زمین زده است. هیچ باوری نسبت به حرف هائی که او در باره مسائل اقتصادی می زند دیگر وجود ندارد، حتی آنها که همچنان باورمند خرافات مذهبی اند و یا بشدت مذهبی نیز دیگر به حرف های احمدی نژاد باور ندارند.

اما علیرغم همه این سقوط اعتبار، همچنان غیر از خاتمی که هم خودش و هم دورانش در نزد مردم يك دوران طلایی است، هرکس دیگری بیاید احمدی نژاد برای یک دوره دیگر می ماند. استدلال عامیانه مردم را باید جدی گرفت. آنها با درک خودشان از شرایط و شناختی که از حاکمیت دارند اوضاع را می سنجدند و با همان خشمی که نسبت به مسائل اقتصادی و فساد حکومتی دارند تصمیم می گیرند. مردم می گویند "اگر يك آدم جدید بیاید، حالا نوبت اوست که خودش و اطرافیانش دزدیها را شروع کنند و جیبشان را پر کنند، بنابراین همین ها که دزدی هایشان را کرده اند، بمانند بهتر است.

۲- به مانورهای خیابانی نیروهای انتظامی و سپاه نباید زیاد بهاء داد. درست است که چند دانشجوی و یا چند زن دستگیر می شوند و یا در خیابان جلوی آنها را به بهانه حجاب و این مسائل می گیرند، اما اینها موج هائی است در یک بادیه آب. آنجا که سیل مردم در حرکت است، پشم و پيله نیروی انتظامی و سپاه و بسیج و غیره ریخته است. اصلا کسی به آنها توجهی ندارد.

در پاسازهای تهران، اگر خواهران زینب در پناه چند ده مرد نیروی انتظامی وارد میدان شوند، یک پچ و پچی برای مراعات حجاب و این نوع مسائل می پیچید، وگرنه کسی تره برای آنها خرد نمی کند و اغلب کار به جر و بحث و حتی فحاشی طرفین به هم می کشد. رابطه مردم با نیروی انتظامی نیز بستگی به شمار آنها دارد. یعنی هرچا نیروی انتظامی بیشتر باشد، مردم کوتاه می آیند و هرچا مردم بیشتر باشند نیرو انتظامی کوتاه می آید و عقب می نشیند. این موش و گربه بازی از صبح تا شب در نقاط مختلف تهران جریان دارد. درحقیقت مردم راه خودشان را می روند و حکومت هم راه خودش را.

۳- خرافات همچنان در جامعه و باورهای مذهبی مردم نفوذ دارد. در مشهد بمناسبت نیمه شعبان و عید فطر جمعیت عظیمی از مردم به خیابان ها آمده بودند. یک پسر عمو یا پسر عمه برای امام هشتم در حاشیه مشهد پیداکرده اند و بارگاه عظیمی هم برایش برپا ساخته اند. همین محل صدها هزار زائر دارد. تفکرات ضد مذهبی بنام "کمونیسم" زمینه مثبتی در جامعه ندارد و به همین دلیل باید دست خود حکومتی ها را در این نوع تبلیغات و ظهور و نمایش ها دید، بویژه که حکومت فوراً بر چسب چپ هم به آن می زند.

۴- فضای متمایل به چپ دانشجویی پس از ضربه ای که از حکومت خورده اند بکلی تغییر کرده است. (این بخش از نامه دریافتی شامل نکاتی است که برای انتشار آنها بعداً تصمیم گرفته خواهد شد.)

سخنان آقای رئیس دانا و موضع گیری شما (راه توده) در برابر آن را خواندیم، اما اگر راستش را بخواهید نه حرف های ایشان و نه موضع گیری شما در برابر آن، درداخل بازتابی نداشت. مگر خود ایشان و اطرافیان ایشان با خواندن آن موضع گیری شما، نسبت به نظرات خود و خودشان تجدید نظر کنند. درد و رنج عامه مردم الان این مسائل نیست و در میان طیف وسیع نخبگان مذهبی و غیر مذهبی الان بحث اصلی اینست که خاتمی می آید یا نمی آید؟ کسانی که حوادث و رویدادهای داخل کشور را با نگرانی دنبال می کنند، مساله شان این

نیست که با رای دادن شرافتشان لکه دار می شود یا نمی شود" ... مساله شان این است که آیا با این وضعیت خاتمی خواهد آمد؟ آیا کاندیدای اصلاح طلبی حضور خواهد داشت؟ آیا تقلب ها اجازه می دهد رای مردم رئیس جمهور تعیین کند؟

جان مردم به لبشان رسیده است. یکی از وارد کنندگان تجهیزات تولیدی که به صورت نقد و اقساط این تجهیزات را به کارگاه ها می فروشد، سه روز پیش می گفت: ۷۰ درصد چک هایی که گرفته ایم پاس نمی شود. یعنی ۷۰ درصد کارگاه ها به سمت ورشکستگی می روند. سطح و وسعت نارضائی و نگرانی از آینده را در چنین طیف گسترده ای که ۱۵ میلیون زیر خط فقر و واردکنندگانی در این سطح را شامل می شود حدس بزنید.

این وضعیت را بحران اقتصادی جهان سرمایه داری تشدید کرده است. باور کنید مردم در کوچه و خیابان و اتوبوس و مترو در باره این بحران و سقوط قیمت نفت و آینده بد با هم گفتگو می کنند و تفسیر حذف رایانه های انرژی که به تازگی احمدی نژاد طرح کرده، قبل از آنکه روزنامه ها چیزی بنویسند مردم درباره آن با هم بحث می کنند و هر کس نگرانی خود را در باره آینده به دیگری می گوید. حتی درباره ۳٪ مالیات ارزش اضافه نیز مردم اظهار نظر می کنند و البته منفی و توأم با ناسزا به دولت، چون می ترسند این ۳ درصد هم تبدیل شود به ۳۰ درصد گرانی تازه!

راه توده ۱۹۸ ۲۰،۱۰،۲۰۰۸